

شیئی که منفعت مورد اعتنا ندارد

شیئی که منفعت مورد اعتنا ندارد، به دو صورت فرض می شود

۱. شیء فاقد هرگونه منفعتی است ؛ یعنی نه منفعت شخصی دارد، نه نوعی، و نه در حال حاضر منفعتی دارد و نه در آینده امید منفعت به آن می رود. بنابراین هیچ نوع مرغوبیتی در آن نیست که منشأ مالیت شود □ این قسم معامله باطل و فاسد است. (مکاسب محرمه، ج ۱۳۰، ص ۲)

مثال: اگر در معامله ای طرفین یا یکی از آن دو، ابتدا تصور منفعتی را در این مبیع کنند، و بعد از انجام معامله معلوم شود هیچ منفعتی در این متاع نبوده، معامله باطل است. (مکاسب محرمه، ج ۱۳۰، ص ۳)

۲. مبیع دارای منفعت است ، ولی منفعت آن معتدّ به نیست ؛ یعنی یا منفعت عامی نیست و به ندرت مردم از این شیء این منفعت را اراده می کنند. یا اینکه منفعتی شخصی است و برای فرد خاصی منفعتی دارد که آن هم نادر است. □ معامله صحیح است. (مکاسب محرمه، ج ۱۳۲، ص ۸)

مثال:

الف) اگر شخصی ورقی را که متعلق به آباء و اجدادش است و روی آن از صد سال پیش نوشته ای وجود دارد، پیدا کند و بگوید من این را به فلان مبلغ می خرم، اگرچه این ورق بی ارزش است، برای او مالیت دارد و این رغبت، رغبت شخصی است.

ب) کسی برای تغذیه گربه های خانه اش موش می خرد ؛ چنین منفعتی نادر است. این یک رغبت و غرض شخصی نیست، بلکه نوعی است. همچنین بعضی از گیاهان بیابانی وجود دارد که برخی، از این گیاهان برای یک خاصیتی استفاده می کنند، ولی بیشتر مردم به اینها اعتنایی ندارند و لگدمال می کنند. این موجب نمی شود که این گیاه از مالیت بیفتند. چراکه مالیت شدّت و ضعف دارد و بسته به میزان رغبت مردم است. (مکاسب محرمه، ج ۱۳۱، ص ۷)